

بررسی و تحلیل مراکز علم و ادب در عهد اموی

محمد مهدی سینی چی*

دکتر محمد جعفری**

چکیده

در عهد امویان مراکز علمی و ادبی به دو گونه مراکز معقول و منقول تقسیم می‌شد. علوم معقول، علوم بودند که از راه فکر به آن دست می‌یافتند و پیش از اسلام مراکزی توسط اقوامی چون یونانیان، ایرانیان و سریانیان در سرزمین‌های مصر و ایران تأسیس شده بود، ولی علوم معقول به علوم شرعی و علوم ادبی منقسم می‌گردد که توسط واضعی وضع می‌شده است. در این مراکز علوم اسلامی خصوصاً علوم قرآن (قرائت و تفسیر) فقه و حدیث تدریس می‌شد. نگارنده در این مقاله به بررسی هر دو دسته علمی می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: اسلام، امویان، مراکز علمی و ادبی

مقدمه

در دوره امویان در زمینه‌های علوم گوناگون گام‌های نخست برداشته شد. فرهنگ و علوم یونان از چند طریق مثل مدرسه اسکندریه - در دوره سلطنت بطلمیوس اول - به وسیله دانشمندانی که انتقال این مدرسه و انطاکیه شام آمدند، به عالم اسلام متحمل شد. بغداد در

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد - ایران

Sinichi4140@gmail.com

** استاد راهنما گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد - ایران

d.m.jafari92@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۲۰



آن زمان جانشین آتن و وارث تمدن یونان شد. روش افلاطونی جدید و روش فیثاغورثی از آمیزش‌های آراء فلسفی و دینی یونان با عقاید دینی و فلسفی یهود و نصرانی بود که در آن زمان در نصیبین ظهور یافت.

مدرسه‌ها محل ترویج اندیشه‌های یونانی و کلدانی در سرزمین‌های اسلامی شد. پس از مدرسه نصیبین یکی از دانشمندان بزرگ مسیحی در مشرق مدرسه‌ای تأسیس کرد که در آن به تدریس علوم فلسفه یونان می‌پرداخت.

جندی شاپور (گندی‌شاپور) واقع در شرق و جنوب شرقی دزفول از همان ابتدا مرکزیت علمی داشت و به دستور شاپور عده‌ای از کتب یونانی به پهلوی ترجمه شد. مدرسه و بیمارستان جندی شاپور مرکز علمی طب یونان به شمار می‌رفت. (صفا، ۱۳۹۲، جلد ۱: ۹۲-۹۹ و نیز؛ حناالفوری، ۱۳۸۸: ۲۶۳)

مراکز دانش و ادب پیش از اسلام الف) حوزه علمی اسکندریه

این حوزه به مرکزیت علمی اسکندریه از دوره جانشینان بطلمیوس سردار معروف اسکندر آغاز شد. تا قرن ششم و تا بخشی از قرن هفتم میلادی ادامه یافت. در این فاصله زمانی اسکندریه جانشین و وارث تمدن یونان شد و در آن جا مدرسه و کتاب‌خانه و رصدخانه‌هایی به پا گشت و فلاسفه و دانشمندان بزرگی در رشته‌های گوناگون چون ریاضیات، نجوم و جغرافیا ظهور کردند. این بزرگان اگرچه تحت تأثیر فلاسفه و دانشمندان پیش از خود بودند اما تمدن و علوم دنیای بعد از خود نیز صاحب تأثیر بسیار بوده‌اند. (صفا، ۱۳۹۲، ج ۱: ۹۲)

در همان مرکزیت علمی اسکندریه، بر اثر ترویج آراء فلسفی و دینی یونانی با عقاید دینی و فلسفی یهود و نصرانی روش‌های جدیدی به نام روش افلاطونی و فیثاغورثی در فلسفه ظهور کرد و کسانی چون فیلون یهودی و امونیوس سکاس بنیانگذار فلسفه جدید در آن شهر شدند.

از حدود قرن سوم میلادی به تدریج مراکز علمی در آسیای صغیر و شام پدید آمد که از میان آنها مرکز علمی بیزانس و ازمیر و انطاکیه شهرت دارد. پس از آن شهر حران مرکز مابین بود و



دانشمندان آن شهر در ریاضیات شهرت داشتند. ثابت بن قره الحرای (۲۸۸ م) و محمدبن جابر البتّانی (۳۱۷ م) از مشاهیر علمای عهد اسلامی هستند که از میان آنان ظهور کردند. (همان: ۹۳)

ب) حوزه‌های علمی سریانی

شهرهای سریانی رها در شمال غربی الجزیره، نصیبین در شمال شرقی، قنسرین و آمید، از جمله شهرهای مهمی بودند که دو فرهنگ رومی و ایرانی را در خود حفظ می‌کرد. در میان این شهرها، «رها» از همه زودتر مورد نفوذ و انتشار آیین مسیح گردید. و لهجه سریانی به عنوان زبان دینی مسیحیان در این ناحیه به کار رفت. رفته رفته از همین لهجه به عنوان یک زبان علمی نیز استفاده شد.

ترویج زبان سریانی در شهر رها همراه با داخله شاهنشاهی ایران دوره ساسانی بود بسیاری از آثار ارسطو و افلاطون و افلاطونیان جدید به سریانی ترجمه گردید. همان طور که گفته شد پیش از آنها زبان سریانی در رها رواج یابد مردمان با زبان و تمدن یونانی زندگی می‌کردند و زبان یونان زبان ادبی آنها به شمار می‌رفت. کتاب‌های مقدس نیز در آن دوره به زبان سریانی ترجمه شد. (صفا، ۱۳۹۲: ۹۳-۱۹۴)

مدرسه منطقه سریانی نشین، مدرسه نصیبین بود که نظام آن از روی حوزه علمی (رها) برداشته شده بود. پس از بسته شدن مدرسه رها، از اواخر قرن پنجم میلادی اعضا و مسئولین این دبستان به کشور خود (ایران) بازگشتند و چند مدرسه تأسیس کردند. یکی از بزرگترین مدرسه‌ها بعد از «رها» مدرسه نصیبین بود که توسط دانشمندی به نام (نرسی) پدید آمد. استادان این مدرسه علاوه بر تفسیر کتب مقدس به مباحث فلسفه نیز پرداختند. (همان: ۹۶)

مدرسه قنسرین در اشاعه و انتقال علوم یونانی به عالم اسلام نقش مهمی را داشت. دانشمندان سریانی زبانی ضمن تبیین قواعد و اصول معتقدات دینی و مذهبی به علوم یونان از منطق و ریاضیات و الهیات و نجوم و کیمیا و طب سرگرم بودند و کتب یونانی خصوصاً آثار ارسطو و افلاطون را از پهلوی به سریانی ترجمه کردند. مدارس سریانی تا مدتی از دوره اسلامی با رونق پیش از اسلام باقی مانده بود و این قوم واسطه نقل علوم یونانی به عربی شد و تقریباً همه آثار



دانشمندان، فلاسفه، ریاضی‌دانان و منجمین یونانی را به عربی ترجمه کردند. و همین پیشرفت در مشرق باعث شد که علوم یونانی و اسکندرانی اندک اندک داخل ایران شود و در شهرهایی مانند سلوکیه و تیسفون و گندشاپور و ریواردیش و برخی از بلاد شرقی مراکز علمی مهم و جدیدی به وجود آورد. (رک، صفا، ۱۳۹۲، ج ۱، ۹۴)

مطلب فوق نشان می‌دهد که مسلمین با علمای عیسوی در مدارس و مراکز علمی در رابطه و مراوده‌های علمی و اجتماعی بودند.

بیت اردشیر یکی دیگر از مراکز مهم بود. در این مراکز ترجمه‌های سریانی به پهلوی انجام می‌شد و اشعار آیینی برای اجرای مراسم دینی در کلیسا سروده می‌شد.

ج) جندی‌شاپور

یکی از مراکز علمی عیسوی مرکز جندی‌شاپور بود که از مراکز مهم نصرانیت به شمار می‌رفت. این نام معرب (گندشاه پوهر) است که اصلاً «وه‌اند و شاه پوهر» یعنی «به از انطاکیه، شاپور» است. به عبارت دیگر شهر شاپور بهتر از انطاکیه است (صفا، ۱۳۹۲: ج ۱، ۹۸).

گندی‌شاپور از همان اوایل مرکزیت علمی یافت و شاپور به دانشمندان فرمان داد که عده‌ای از کتب یونانی به پهلوی ترجمه شود و در شهر گرد آورند. به این سبب گندی‌شاپور مرکزیت طب یونانی یافت. تیادورس طبیب نصرانی برای معالجه شاپور به دربار خوانده شد. او کتابی با نام «کناش تیادورس» داشت که بعدها به عربی ترجمه شد (همان: ۱۰۰).

پس از نشر مذهب نسطوری در ایران، جندی‌شاپور یکی از بزرگترین مراکز عیسویان ایران و یک حوزه دینی بزرگ و از مهمترین مراکز تجمع علمای عیسوی و محل تعلیم طب یونانی و آمیزش آن با طب ایرانی و هندی شد. در عهد انوشیروان، دانشمندان سریانی زبان ایرانی و علمای هندی و زرتشتی در آنجا مشغول به کار بودند (رک، همان: ۱۰۱).

در بیمارستان جندی‌شاپور علاوه بر پزشکان یونانی عده‌ای از اطباء هندی می‌زیستند و به تعلیم اصول طب هندی اشتغال داشتند. و چند کتاب از آثار طبی هندی به پهلوی ترجمه شد که بعدها به عربی درآمد. (همان)



پناهنده شدن هفت تن از دانشمندان مشهور ایرانی در عهد انوشیروان به ترویج علم و مراکز علمی کمک بسزایی کرد.

مراکز دانش و ادب پس از اسلام

حجاز: سرزمین وحی و پایگاه وحدت الهی بود. در این منظر دو شهر مقدس مکه و مدینه از مهمترین مراکز علم و تمدن اسلامی به شمار می‌رفته. در دوره امویان این دو شهر از شرایط ویژه‌ای در خصوص علوم اسلامی برخوردار بودند. و ضمن اینکه از همه مراکز علمی و تمدن اسلامی جلوتر بودند در زمینه موسیقی نیز از سایر رقبا پیشی گرفته بودند.

مکه: زادگاه پیامبر اسلام و تجلی‌گاه وحی و سرزمین دعوت به اسلام بود. قریش و مشرکان قریش از هرگونه اقدام در سرکوبی اسلام و پیغمبر در این شهر کوتاهی نکردند و سالها او و یارانش را در دره شعب ابوطالب محاصره کردند. بسیاری از آیات و سوره‌های قرآن که مکی خوانده می‌شود و عمدتاً پیرامون اصول عقاید است، در دوره ۱۳ سال مکه نازل شده است. پس از فتح مکه به سال هشت هجری پیامبر (ص) معاذبن جبل انصاری را که در علم و حلم و سخاوت سرآمد بود، برای تعلیم فقه و قرآن در مکه گذاشت. (رک، ابن سعد، بی تا، ج ۲: ۳۴۸)

معاذ از داناترین صحابه به حلال و حرام و از بهترین قاریان قرآن و از جمله کسانی بود که در عهد رسول خدا قرآن را جمع‌آوری کردند. عبدالله بن عباس شاگرد علی نیز به هنگام فتنه ابن زبیر به مکه آمد و مجلس درسی در مسجدالحرام برپا کرد. او تفسیر، حدیث، فقه و ادبیات تدریس می‌کرد. (همان: ۳۶۷)

شهرت مدرسه مکه از عبدالله بن عباس و یارانش می‌باشد.

از مشهورترین دانش‌آموختگان مدرسه مکه باید از مجاهدبن جبر (۱۰۴ هـ)، عطاء ابن ابی زباج (۱۱۴ هـ) و طاووس بن کیسان یمانی (۱۰۶ هـ) یاد کرد که هر سه از موالی بودند. مجاهد در نقل روایات تفسیری ابن عباس شهرت دارد. چنانچه او را در واقع تفسیر ابن عباس شمرده‌اند. عطاء ابن ابی ریاح از فقها و زهاد مکه بود و در مناسک حج از داناترین مردم به شمار می‌رفت. او در مسجدالحرام می‌نشست و فتوا می‌داد حدیث روایت می‌کرد. (همان: ج ۲، ۳۸۶؛ ج ۵، ۴۶۷-۴۷۰)



طاووس از ایرانیان یمن بود بسیاری از صحابه را درک کرد و از آنان علم آموخت و سپس به ابن عباس پیوست و از شاگردان خاص استاد بود. (همان: ج ۵، ۵۳۷-۵۴۲)

مدینه: این شهر مرکز حکومت اسلامی تا سال ۳۵ هجری بود. پس از هجرت پیامبر به مدینه النبوی موسوم شد. بیشترین بخش فقه اسلامی در همین شهر نوشته شده است. بیشترین احادیث و روایات پیغمبر مربوط به همین دوره است. در نهضت علمی مدرسه مدینه از مدرسه مکی پیشی گرفت. هُرْمُزَان یک نمونه از ایرانیان مدینه است که نقش مهمی در تأسیس دیوان مدینه در روزگار عمر داشت (بلاذری، ۱۳۹۸: ۴۵۰).

موالی نیز طبقه‌ای را تشکیل دادند که منشأ بسیاری از رفتارهای فرهنگی و آثار علمی در جامعه اموی بود. (ابن سعد، بی تا، ج ۵: ۲۸۱)

بیشتر علمای عصر امویان در تفسیر فقه، حدیث و تاریخ از دانش آموختگان مدرسه مدینه هستند. امام باقر مکتب عقیدتی و فرهنگی و فکری شیعه را بنیاد کرد و پس از او فرزندش امام صادق قدرت سیاسی را از دوره امویان به عباسیان منتقل نمود. همین موجب شد که امام با فراق خاطر سیاست فرهنگی پدر را ادامه دهد و به ترویج مبانی علمی و فقهی مکتب اهل بیت پردازد. (رک، جعفری، ۱۳۷۴: ۳۰۴)

افراد زیر گروهی از شاگردان و پسران امام هستند:

ابوحنیفه نعمان بن ثابت (۱۵۰ هـ)، مالک بن انس (۱۷۹ هـ)، سفیان ثوری (۱۶۱)، حاتم بن اسماعیل (۱۸۰ هـ) و یحیی بن سعید قطان ... (همان، ۳۰۴)

بصره: این شهر نیز موطن علم بود. ابوموسی اشعری و انس بن مالک از مهمترین افراد آن روزگار بودند. مشهورترین دانش آموختگان مدرسه بصره در عصر امویان، حسن بصری (۱۱۰ هـ) و محمد بن سیرین (۱۱۰ هـ) بودند.



نتیجه

از آنچه گذشت به دست می‌آید که مسلمانان همت زیادی به توسعه علم و پیشرفت تمدن اسلامی گماردند. و علم در نظر آنان مجموعه اطلاعات و دانش‌هایی است که در امور دینی و دنیاوی بحث می‌کند. اعم از مسائل شرعی و عرفی و ادبی و عقلی. مسلمانان علاوه بر تداوم فعالیت در مراکز علمی پیش از اسلام همچون مدارس مصر، نصیبین، رها و جندی شاپور، جهت تأسیس مراکز جدید در پس از اسلام تلاش‌های قابل ستایش کردند. حجاز (مکه و مدینه) عراق (بصره کوفه) مصر و شام مراکز دانش و ادب آن دوره بودند.

منابع و مآخذ

- ابن سعد، محمد، (بی‌تا)، الطبقات الکبری، بیروت
- الفاخوری، حنا، (۱۳۸۸)، تاریخ ادبیات زبان
- عربی، ترجمه: آیتی، عبدالمحمد، تهران، نشر طوس
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، (۱۳۹۸)، فتوح البلدان، بیروت، نشر: دارالمتب العلمیه
- جعفری، سید حسین، (۱۳۷۴)، تشیع در مسیر تاریخ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- حیدر، اسد، (۱۴۰۳)، الامام صادق (ع) والمذاهب الاربعه، بیروت، نشر: دارالکتاب العربی
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۹۲)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، ج ۱، انتشارات فردوس